

یادگار نامهٔ عبدالحسین شیرازی در نمسه^۱

ایرج افشار

در مؤسسهٔ ایرانشناسی فرهنگستان علوم اطریش (وین) آقای مارکوس ریتر مؤرخ تاریخ هنر ایران قطعه خطی را نشان داد که یادگار نامه‌ای است از دیدار میرزا عبدالحسین خان ایلچی ایران در سال ۱۲۳۴ قمری از مدرسهٔ زبانهای شرقی آن فرهنگستان. به لطف ایشان عکسی از آن به دستم رسید که آن را همراه با خوانده شدن متن را چاپ می‌کنم.

این عبدالحسین هموست که ذکرش در وقایع سال ۱۲۳۳ ناسخ‌التواریخ آمده و همراه بوده است با میرزا ابوالحسن خان شیرازی. سپهر نوشته است:

« و هم درین سال میرزا عبدالحسین خان غلام پیشخدمت که به اتفاق خالوی خود میرزا ابوالحسن خان شیرازی به سفارت فرنگستان مأمور بود و بر صوابدید میرزا ابوالحسن خان مکتوب ایمپراطور نمسه مصحوب او گشت. جواب نامهٔ پادشاه ایران را از ایمپراطور گرفته با تحف و هدایای او برسانید.» (ص ۳۰۷ چاپ جمشید کیانفر).

درین مأموریت معلوم می‌شود که عبدالحسین خان از فرهنگستان اطریش دیدن کرده و به شعبه‌ای که زبان فارسی در آنجا تدریس می‌کرده‌اند رفته و از فارسی‌دانی شاگردها شاد شده بوده و این یادگارنامه را در آنجا بر جای گذاشته و هنوز برجای است. نه آنکه ورقه‌ای عادی دانسته شود و به زباله‌دان انداخته باشند.

۱. در آن روزگار نام کشور اطریش میان ما «نمسه» بود و از اصطلاحی گرفته شده بود که روسها دربارهٔ اطریشی‌ها متداول ساخته بودند.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

در بهترین وقتی از اوقات و نیکوترین ساعتی از ساعات هذه السنهٔ پارس ثیل خیریت دلیل از جانب شاهنشاه جمجاه روحی فداه السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار پادشاه ممالک ایران به سفارت و رسالت مملکت الآمان^۱ زوی الاحداث و الاقران حفت بالامن و الامان مأمور گردید. بعد از شرف اندوزی بزم خجسته حضور فیض دستور قیصر معظم و امپراطور اعظم اکرم هر روزه از فیض ملاحظهٔ بناهای خیر قیصری مستفیض و بهره‌یاب می‌گردید. هریک از ابنیهٔ خیر که از راه رأفت و مرحمت و عدالت بجهة تربیت و آسایش رعایا و برایا برپا شده البته باعث برپا بودن دولت و دوام و ازدیاد ملک و حشمت خواهد بود، چنانچه حکما گفته‌اند:

رعیت چه^۲ بیخ است و سلطان درخت
درخت ای برادر به بیخ است سخت
از آن جمله تربیت‌خانه‌ها و بناها یکی این مدرسه بود که ملاحظه شد بجهت آموختن زبان اروپا و عاصیا^۳. جمعی از فصحاء مشغول تدریس بودند و به محض ورود بنده در کمال فصاحت به زبان فارسی تلفظ نمودند.

این جانب نظر به عصیبت همزبانی محضوز^۴ و ...^۵ گشته شوق نموده که به یادگاری این صحیفه را در آن مدرسه گذارد.

میرزا عبدالحسین خان ایلچی

دولت علیهٔ ایران مأمور به دولت بهیهٔ علیهٔ الامان

تحریراً فی عشر شهر جمادی الاولى سنه ۱۲۳۴

غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی

چنانکه گفته شد در منابع فارسی جز نوشتهٔ مجمل سپهر مأخذی به دست نیامد اما در کتابی که Helmut Slaby دربارهٔ روابط ایران و اطریش نوشته است اطلاعات مبسوطی مندرج است که از دفتر مجلهٔ پیام بهارستان خواهش کردم ترجمهٔ آن را به این سند الحاق کنند. نام کتاب مذکور که مؤلفش زمانی رایزن فرهنگی اطریش در ایران بود چنین است: Bindenschild und sonnenlowe. (Graz, 1989)

۱. (= آلمان)

۲. به جای (چو)

۳. (= آسیا)

۴. نادرست به جای محظوظ.

۵. ... ملذوذ می‌توان خواند.

